

حق بر دموکراسی در حقوق بین‌الملل معاصر

رضا اسلامی*

کتابون بشکاردانا**

چکیده

حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت داخلی، حق مشارکت سیاسی و حقوق وابسته به آن، از جمله حقوق و آزادی‌های سیاسی، و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، اصل برابری و منع تبعیض، در زمره قواعد معاهداتی و هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی هستند که از اصل مشروعیت دموکراتیک منبعث گردیده و سپس به مدد ابزارهای معاهداتی تضمین شده‌اند.

طی چند دهه اخیر، کمیته حقوق بشر، کمیسیون‌های اروپایی و آمریکایی حقوق بشر، سازمان همکاری و امنیت اروپا و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، رویه‌ای بی‌سابقه از توجه بین‌المللی به ساختار حکومت‌های داخلی به وجود آورده‌اند که تأثیر بسزایی در آینده حق بر دموکراسی دارد. مقاله حاضر در تلاش است تا از طریق تحلیل حقوق مشارکتی مندرج در کنوانسیون‌های حقوق بشر به‌عنوان بنیان‌های هنجاری دموکراسی و نقش آن‌ها در توسعه قواعد عرفی، به تبیین جایگاه حق بر دموکراسی در حقوق بین‌الملل معاصر بپردازد.

واژگان کلیدی

حق تعیین سرنوشت داخلی، حق مشارکت سیاسی، انتخابات، آزادی‌های سیاسی، اصل مشروعیت دموکراتیک، حق بر دموکراسی، هنجارهای بین‌المللی.

«حق انتخاب اینکه چه کسانی و چگونه بر مردم حکومت کنند، باید حق ذاتی مردم و تحصیل جهانی آن باید هدف اولیه سازمانی باشد که ملتزم به تأمین آزادی گسترده‌تر است»^۱.

مقدمه

پایان برخوردهای ایدئولوژیک و شروع موج جدید آزادی‌خواهی و دموکراسی‌خواهی در دهه ۹۰ میلادی، در بسیاری از کشورهای جهان، دموکراسی را در فهرست ابعاد جدید حقوق بشر قرار داد و محیط ملی و بین‌المللی مساعدی را برای دنبال کردن آرمان‌ها و اهداف دموکراتیک مردمان فراهم نمود. نیروهای قدرتمند تغییر دموکراتیک در داخل جوامع، از محدودیت‌ها و قیود دوران جنگ سرد آزاد شدند و دگرگونی داخلی در نظام‌های ملی به واقعیت عمده در غالب کشورهای جهان تبدیل شد. این دگرگونی تاریخی به مناقشات سیاسی و مباحث علمی و پژوهشی گسترده‌ای در خصوص آینده دموکراسی دامن زد. از تئوری «موج سوم دموکراسی‌خواهی» هانتینگتون و «پایان تاریخ» فوکویاما تا تئوری‌های مربوط به دموکراسی پایدار، همه به دنبال ادعایی واحد بر سر جهانی‌شدن دموکراسی بودند.^(۲)

در کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ که به منظور بررسی رابطه درونی و به‌هم‌پیوسته حقوق بشر، دموکراسی و توسعه تشکیل شده بود، دموکراسی به‌عنوان عنصر تفکیک‌ناپذیر از حقوق بشر پذیرفته شد.^(۳) اعلامیه و برنامه عمل وین که حاصل این کنفرانس بود به‌طور مشخص مقرر نمود که دموکراسی، توسعه و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی از مفاهیم به‌هم‌پیوسته بوده و متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند.^(۴)

علی‌رغم تحولات سیاسی و به تبع آن، تحولات حقوق بین‌الملل پس از دهه ۹۰ میلادی، دکترین حقوقی اثبات‌گرا،^(۵) همچنان با دیده تردید به دموکراسی به‌عنوان حقی بین‌المللی می‌نگرد و در نتیجه، وجود آن را در میان هنجارها و استانداردهای بین‌المللی انکار نموده و استدلال می‌نماید که وجود حق مبهم مشارکت سیاسی مندرج در اسناد حقوق بشری، قابلیت تفسیر را در قالب «حق دموکراسی» ندارد.^(۶)

۱. کوفی عنان، در آزادی گسترده‌تر، گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد، ۲۰۰۵، بند ۱۴۸.

۲. P. J., Campbell, & Lathleen, M.-N., "Democratization and the Protection of Human Rights: Challenges and Contradictions", Westport: Praeger, 1998, p. 3.

۳. World Conference on Human Rights, Vienna Declaration and Program of Action, General Assembly, A/CONF.157/23, 12 July 1993, available at: [http://www.unhchr.ch/huridocda/huridoca.nsf/\(symbol\)/a.conf.157.23.en](http://www.unhchr.ch/huridocda/huridoca.nsf/(symbol)/a.conf.157.23.en)

۴. J. Symonides (ed.), "Human Rights New Dimensions and Challenges: Manual on Human Rights", Hants: Ashgate, 1998, p. 6. See also World Conference on Human Rights, Vienna Declaration and Program of Action, op. cit., para. 8.

۵. Positivism

۶. B. R., Roth, (a), "Governmental Illegitimacy in International Law", Oxford: Oxford University Press, 2000, p. 323.

با وجود این، در ادبیات حقوقی متفاوت، این تفسیر دیده می‌شود که معاهدات حقوق بشر بین‌المللی با دربرداشتن سوابقی از منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، شامل حق تعیین سرنوشت داخلی، حق مشارکت سیاسی و آزادی‌های سیاسی، پایه‌های حق بر دموکراسی را به‌مثابه هنجاری بین‌المللی بنا می‌نهند.^(۷)

مقاله حاضر به دنبال بررسی ابعاد حق بر دموکراسی در حقوق بین‌الملل معاصر است؛ اینکه آیا چنین حقی در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده یا در حال شکل‌گیری است و همچنین اینکه ویژگی‌های توصیفی حق بر دموکراسی کدام‌اند؟ به‌منظور پاسخ به پرسش‌های فوق، گفتار اول، به بررسی حقوق مندرج در معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای می‌پردازد که به‌صراحت بر حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت، حق مشارکت سیاسی و حقوق و آزادی‌های سیاسی بر پایه اصل برابری و منع تبعیض دلالت دارند. از آنجا که حقوق مشارکتی مندرج در اسناد حقوق بشر در بسط و توسعه هنجارهای عرفی حقوقی دخیل است، بنا به تناسب، به رژیم‌های حقوقی که در تفسیر و توضیح این قواعد و گسترش حوزه مفهومی آن‌ها مؤثرند نیز اشاره خواهد شد. در گفتار دوم به بیان رژیم‌های حمایتی فرامعاهداتی و ساختاری دموکراسی پرداخته می‌شود تا به مدد تبیین حقوق مشارکتی از یک‌سو و حمایت‌های موجود از سوی دیگر، جایگاه حق بر دموکراسی در میان منابع حقوق بین‌الملل تعیین شود.

۱. بنیان‌های هنجاری حق بر دموکراسی در حقوق بین‌الملل معاصر

۱-۱. حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت

حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت در زمره آن دسته از هنجارهای حقوق بین‌الملل است که از نظر مفهومی در طول تاریخ سازمان ملل متحد عمیقاً متحول شده است. این حق که به‌عنوان یک اصل سیاسی در بافت تاریخی دوران استعمارزدایی وارد عرصه حقوق بین‌الملل شد تا به ملت‌های در بند استعمار، استقلال خارجی اعطا نماید، رفته‌رفته به یک حق داخلی برای تضمین مؤثر مشارکت سیاسی مردم در جهان فرااستعماری بدل شد.^(۸) هرچند بسیاری از ملت‌ها با تکیه بر اصل تعیین سرنوشت، از یوغ استعمار رهایی یافتند به‌سرعت در دام حکومت‌های تمامیت‌خواه و مستبدی افتادند که تعیین سرنوشت ملت‌ها به دست خود را عملاً انکار می‌نمودند. توسعه تدریجی مفهوم حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت، از این واقعیت ناشی شد که چنانچه اصحاب قدرت در داخل نیز احترام به حق تعیین سرنوشت مردم را نقض نمایند، سرزمین‌های مستقل از استعمار خارجی همچنان دست به‌گریبان جنگ‌های

^۷ ریشه‌های این دکترین را می‌توان در نوشته هائری اشتاینر یافت؛ ن.ک:

H. Steiner, "Political Participation as a Human Rights", *Harv. Hum. Rts. Y. B. I.*, 1988, p. 77.

همچنین برای یافتن نمونه‌های دکترین مشابه، ن.ک:

G. H. Fox, "The Right to Political Participation in International Law", *Yale Int'l L.J.* no. 17, 1992, p. 539; C. Cerna, "Universal Democracy: An International Legal Right to Democracy or a Pipe Dream of the West?" *N.Y.U. J. Int'l L.*, no. 27, 1995, p. 289; Thomas M. Franck, "The Emerging Right to Democratic Governance", pp. 52-63, *A.J.I.L.*, vol. 86, 1992, p. 46.

^۸ B. R. Roth, (b), "Evaluating Democratic Progress in Democratic Governance and International Law", Cambridge: Cambridge University Press, 2000, op. cit., p. 508.

داخلی و آشوب‌های محلی خواهند بود.^(۹) بر همین مبنا است که در حقوق بین‌الملل معاصر، تعیین سرنوشت ملت‌ها همواره در دو بُعد خارجی و داخلی بررسی می‌شود.^(۱۰)

تعیین سرنوشت خارجی اغلب در موقعیت‌های استعماری اعمال می‌شد و به‌طور مستقیم، سرزمین یک دولت، تقسیمات، توسعه، تغییرات و روابط بین‌المللی بعدی آن را با دیگر دولت‌ها تحت‌تأثیر قرار می‌داد. اعمال خارجی تعیین سرنوشت در قطعنامه ۱۵۱۴ مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت‌عنوان اعلامیه اعطای استقلال به ممالک و ملل تحت استعمار به سه شکل زیر، عنوان شده است: پیدایش یک دولت مستقل، اتحاد آزاد با دولت مستقل و ائتلاف دسته‌جمعی با دولتی مستقل.^(۱۱)

جنبه داخلی حق تعیین سرنوشت، مربوط به حقوق ملت‌ها در داخل دولت برای انتخاب چارچوب سیاسی، حدود مشارکت سیاسی و شکل حکومت خود است.^(۱۲) حق تعیین سرنوشت داخلی، مردم یک سرزمین معین را در فرایند دموکراتیک حکومتی که آزادانه انتخاب کرده‌اند، از مشارکت آزاد و منصفانه برخوردار می‌سازد. این حق شامل آزادی بیان، انجمن‌ها و اجتماعات نیز می‌شود.^(۱۳)

قدرت‌های استعماری اروپایی با حق تعیین سرنوشت به شیوه مندرج در ماده ۱ مشترک میثاقین به‌شدت مخالف بودند. آن‌ها اصرار داشتند که تعیین سرنوشت، نه یک حق، بلکه اصل سیاسی است. به همین جهت نمی‌تواند در یک میثاق حقوق بشری که ناظر بر حمایت از حقوق افراد است درج گردد و در نتیجه نمی‌تواند به‌وسیله کمیته حقوق بشر نیز همانند دیگر حقوق فردی، اعمال شود. این رویکرد، به‌وضوح در مذاکرات مقدماتی میثاقین^(۱۴) دیده می‌شود.^(۱۵)

علی‌رغم چنین مخالفتی، تعیین سرنوشت به‌عنوان یک حق، در میثاقین درج شد و در مقایسه با بند ۲ ماده ۱ و ماده ۵۵ منشور ملل متحد، نهایتاً فارغ از مفهوم سیاسی خود، وصفی حقوقی یافت.^(۱۶)

9. B. R. Roth, (b), 2000, op. cit., p. 508.

۱۰. واحد، تاتلی، **حق تعیین سرنوشت ملل از منظر حقوق بشر بین‌المللی پس از ۱۹۹۰**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۲۲.

11. United Nations General Assembly Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples, 14 December 1960, available at: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/RESOLUTION/GEN/NR0/152/88/IMG/NR015288.pdf?OpenElement>

۱۲. تاتلی، پیشین، ص ۲۵.

13. T. M. Franck, "Democracy as a Human Right", pp. 73-95 in L. Heinken & J. Lawrence Hargrove, "Human Rights an Agenda for the Next Century", *American Society of International Law*: no. 26, 1994, pp. 78 & 79.

14. Preparatory works

15. M. Nowak, "United Nations Covenant on Civil and Political Rights. CCPR Commentary", Kehl: N.P. Engel, 2005, p. 10.

16. M. Nowak, 2005, op. cit., p. 13.

ماده ۱ مشترک میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مقرر می‌دارد: «کلیه ملل دارای حق خودمختاری (حق تعیین سرنوشت خود) هستند. به‌موجب حق مزبور، ملل، وضعیت سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند».

الفاظ مندرج در ماده ۱ میثاقین، گویای احترام به معنای موسع به حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود در بُعد داخلی است یعنی مردم از طریق تعیین آزادانه وضعیت سیاسی و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تعیین‌کننده نهایی سرنوشت خود هستند. به کاربردن عبارت «تمامی مردم» در ماده ۱، دلالت ضمنی بر تمامی مردمی دارد که تحت استعمار، انقیاد نیروهای بیگانه، سلطه و استثمار به سر می‌برند و به‌علاوه تمامی مردمی که در کشورهای مستقل زندگی می‌کنند.^(۱۷)

اعلامیه معروف اصول همکاری و روابط دوستانه میان دولت‌ها^(۱۸) با تأکید بر این امر که عدم‌پذیرش حقوق بشر به‌منزله نقض حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت است، ضرورت این حق را برای دولت‌مداری و حاکمیت تمام مردم یک سرزمین، توجیه کرده است.^(۱۹) این اعلامیه مقرر می‌دارد که «به‌موجب اصل حق تعیین سرنوشت مندرج در منشور ملل متحد، تمامی مردم حق دارند که آزادانه وضعیت سیاسی خودشان را تعیین نمایند».^(۲۰)

اعلامیه اصول، بدون هیچ رأی مخالفی به تصویب رسید. هرچند قطعنامه‌های مجمع عمومی در سلسله‌مراتب منابع حقوق بین‌الملل مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، در مرتبه پایین‌تری از معاهدات و عرف قرار دارند، زمانی که قطعنامه‌ای به اتفاق آرا اتخاذ می‌گردد، به احتمال قوی، ترجمان عرف بین‌المللی یا رویه دولت‌هاست. این نظر در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه تصدیق شده است. دیوان در این رأی اشاره دارد که «قواعد مذکور در قطعنامه ۲۶۲۵ بیان عرف بین‌المللی است».^(۲۱)

با در نظر گرفتن زمان اتخاذ اعلامیه اصول، مفهوم و دامنه تعیین سرنوشت، از جنبه خارجی به جنبه داخلی توسعه یافته است. دقیقاً به‌خاطر این دوگانگی در مفهوم تعیین سرنوشت بود که برگزاری همه‌پرسی در نامیبیا توسط سازمان ملل، مورد حمایت قرار گرفت و برگزاری انتخابات تحت نظارت بین‌المللی که منجر به انتقال قدرت از اقلیت حاکم در زیمبابوه گردید، مورد پشتیبانی واقع شد.^(۲۲)

در تفسیر عمومی^(۲۳) شماره ۱۲، کمیته حقوق بشر مکرراً بر وظیفه ارائه گزارش از ماده ۱ میثاق تأکید می‌کند. زمانی که کمیته از کشورها می‌خواهد که فرآیندهای سیاسی و مبتنی بر قانون اساسی که اعمال حق

“The Right to Self-determination of Peoples, International Covenant on Civil and Political Rights”, 16 December 1966, Article 1, available at: <http://www2.ohchr.org/english/law/ccpr.htm>

17. M. Nowak, 2005, op. cit., p. 20.

18. “United Nations General Assembly Resolution”, no. 2625, 24 October 1970, available at: <http://www.daccessdds.un.org/doc/RESOLUTION/GEN/NR0/348/90/IMG/NR034890.pdf?OpenElement>

19. O. C. Okafor, “*Redefining Legitimate Statehood*”, The Hague: Martinus Nijhoff, 2000, p. 60.

20. R. A. Falk, “*Human Rights Horizons: The Pursuit of Justice in a Globalizing World*”, Routledge, New York, 2000, p. 110.

21. E. Chadwick, “*Self-determination, Terrorism and the International Humanitarian Law of Armed Conflict*”, Martinus Nijhoff publisher, 1996, p. 61.

22. B. Cop, & D. Eymirlioglu, “The Right to Self-Determination in International Law: Towards the 40th Anniversary of the Adoption of ICCPR and ICESCR”, pp. 115-146, Perceptions, Winter 2005, pp. 119 & 120.

23. General Comment

تعیین سرنوشت را تسهیل می‌کنند، توضیح دهند، مفهوم مورد نظر کمیته، یک هنجار قانونی است که تنها دلالت بر امری داخلی دارد.^(۲۴) کمیته همواره کشورهای عضو را تشویق کرده است که در گزارش‌های خود، درباره مشارکت در ساختارهای سیاسی و اجتماعی به‌طور مفصل توضیح دهند و در گفتگو با نمایندگان کشورهای عضو به‌طور منظم این مسئله مطرح می‌شود که ملت چگونه در حکومت کشور خود مشارکت می‌کند^(۲۵) و مکرراً به دولت‌هایی که برای بررسی گزارش‌های دوره‌ای‌شان حاضر می‌گردند اعلام می‌کند که «حق تعیین سرنوشت نیازمند انتخاب آزاد مردم به‌طور پایدار است که نظام حکومتی خود را تعیین کنند و از این طریق قادر باشند به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست یابند».^(۲۶)

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظر مشورتی خود در خصوص *صحرای غربی* اعلام داشت که «استعمارزدایی باید متعاقب بیان واقعی و آزادانه اراده ملت حاصل شود».^(۲۷) قاضی دیلارد^(۲۸) نیز در جمله‌ای معروف در نظریه جداگانه خود اعلام می‌کند که «مردم‌اند که باید سرنوشت سرزمین‌شان را تعیین کنند نه سرزمین، سرنوشت مردم را».^(۲۹)

در واقع امر، الفاظ دیوان، ناظر بر «توجه به بیان آزادانه اراده و خواست مردم»، قویاً دلالت بر این دارد که تعیین سرنوشت، مربوط به الحاق و تجزیه نیست بلکه عنصر اولیه و ضروری آن، انتخاب داوطلبانه و آزادانه مردم است.^(۳۰)

24. J. Klabbbers, "The Right to Be Taken Seriously: Self-determination in International Law", pp. 186-206, *Human Rights Quarterly*, vol. 28, 2006, p. 198.

۲۵. امینی، اعظم، جایگاه دموکراسی در حقوق بین‌الملل معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، بهمن ۱۳۸۴، ص ۱۳۰.

برای مثال کمیته به‌عنوان مرجعی شبه‌قضایی، در قضیه گروه دریایچه لوبیکن علیه کانادا ۲۵ و همچنین در قضیه *E.P. et al* علیه کلمبیا تأیید می‌کند که میثاق، حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت را به‌عنوان وضعیتی ضروری برای تضمین مؤثر و نظارت بر حقوق فردی بشر و به‌منظور ارتقای این حقوق، شناسایی و حمایت می‌کند؛ ن.ک:

M. Nowak, 2005, op. cit., p. 14.

26. R. Higgins, "Problems and Process: International Law and How We Use It", Oxford: Clarendon Press, 1994, p. 120.

گزارش‌های کشورهای کمیته حقوق بشر طبق ماده ۴۰ میثاق، مؤید همین مطلب است که مفهوم تعیین سرنوشت داخلی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای با حقوق تضمین‌شده در ماده ۲۵ در خصوص حق مشارکت سیاسی مطابقت می‌نماید؛ ن.ک:

J. Klabbbers, op. cit., p. 198.

27. J. Klabbbers, op. cit., p. 193.

28. H. Dillard

29. R. A. Falk, op. cit., p. 111.

30. J. Klabbbers, op. cit., p. 198.

همچنین دیوان در نظر مشورتی‌اش در خصوص *نامیبیا* در سال ۱۹۷۱ و *صحرای غربی* در سال ۱۹۷۵ تعیین سرنوشت را از اصول مسلم حقوق عرفی بین‌الملل دانسته است. مخبر ویژه کمیسیون فرعی مبارزه با تبعیض نژادی و حمایت از اقلیت‌ها نیز در این باره اظهار می‌دارد که حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت، حقی پذیرفته‌شده در سطح جهان، برخاسته از حقوق بین‌الملل معاصر و الزام‌آور است که جنبه عام

بنابراین، در مفهوم تعیین سرنوشت، اصلاح دموکراتیک فرایندهای سیاسی دولت و ترتیبات نهادی آن، مرجح دانسته شده است. مشروعیت دولت، مبتنی بر احترام به جنبه داخلی حق تعیین سرنوشت ملت‌هاست.^(۳۱) این حق، بر مبنای این اعتقاد که اقتدار سیاسی نیازمند مشروعیت‌بخشی از سوی مردم است، توسعه یافته است.^(۳۲)

انتقال از حقوق فردی به جمعی در حقوق بشر، امری سیال است. مطابق دکترین نسل‌های حقوق، دسته‌ای از حقوق، تنها متعلق به افراد است از جمله حق حیات؛ دسته‌ای دیگر تنها در اجتماع با دیگران محقق می‌شود همچون آزادی اجتماعات، انجمن‌ها و اتحادیه‌های کارگری و تجاری... و بالاخره حقوقی که صرفاً به اجتماعات تعلق می‌گیرد همچون حقوق اقتصادی و اجتماعی و حق تعیین سرنوشت.^(۳۳) حق تعیین سرنوشت به‌طور آشکار نه به‌عنوان حق هر فرد بلکه حق مردم قلمداد می‌شود.

تعیین سرنوشت، حق ملت در سرزمین معین را بر تعیین سرنوشت سیاسی جمعی‌اش مفروض می‌داند.^(۳۴) بنابراین مردم، رهبران سیاسی و قانونگذاران خود را آزادانه و به‌دور از توطئه یا نفوذ نابه‌جا از ناحیه مسئولین و ارباب قدرت تعیین می‌کنند.^(۳۵) حق تعیین سرنوشت ملت‌ها هرچند که دلالت مستقیم بر تأسیس حکومت دموکراتیک ندارد، متضمن مفهوم اراده عمومی به‌عنوان رکن اساسی و ضروری در فرایند تشکیل دولت و تداوم مشروع آن است.

۱-۲. حق مشارکت سیاسی

حق مشارکت سیاسی در حکومت، هنجار استقرار یافته حقوق بشر بین‌الملل است. این حق به‌عنوان هسته مرکزی و مبنای بنیادین دموکراسی، در ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۱-۳ کنوانسیون حقوق سیاسی زنان مصوب ۱۹۵۲، بند «د» ماده ۳ کنوانسیون شماره ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار مصوب ۱۹۵۸، ماده ۵ کنوانسیون منع تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۵ و ماده ۸ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ مورد اشاره قرار گرفته است.^(۳۶) حق مشارکت سیاسی در اسناد منطقه‌ای متعددی از جمله کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر نیز مورد

دارد. به‌نظر می‌رسد مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی نیز، به‌جای تأیید انحلال دولت‌ها از خلال اجرای حق تعیین سرنوشت، به بازآفرینی معنای این حق پرداخته و آن را از معنای زمان تولدش یعنی تجزیه‌طلبی منفک نموده‌اند؛ ن.ک:

J. Klabbbers, op. cit., pp. 205 & 206.

31. J. G. Cockell, "Self-determination and Sovereign Legitimacy in International Society", 2004, pp. 20 & 21, available at: http://www.allacademic.com/meta/p_mla_apa_research_citation/0/7/2/3/8/pages72384/p72384-1.php

32. P. Radan, "The Break-up of Yugoslavia and International Law", New York: Routledge, 2002, p. 8.

33. M. Nowak, 2005, op. cit., pp. 14 & 15.

34. T. M. Franck, 1992, op. cit., p. 52.

35. A. Cassese, "Self-Determination of Peoples: A Legal Reappraisal", Cambridge, 1995, p. 53.

36. A. Eide (eds.), "Universal Declaration of Human Rights: A Commentary", Oslo: Scandinavian University Press, 1992, p. 311.

حمایت واقع شده است. (۳۷)

در نگرشی وسیع‌تر، حقوق وابسته به حق مشارکت سیاسی، تضمین‌کننده جنبه داخلی تعیین سرنوشت ملت‌ها نیز هست. (۳۸)

تحقق کامل حق هر فرد بر مشارکت سیاسی از یک سو به موجب نهادهای جامعه مدنی یعنی احزاب سیاسی، اجتماعات و انجمن‌ها و از طریق تأمین حقوق و آزادی‌های سیاسی و از سوی دیگر به موجب مشارکت در حکومت یعنی حق رأی‌دادن و حق انتخاب‌شدن، حاصل می‌گردد.

الف) حق مشارکت سیاسی از طریق اعمال حقوق و آزادی‌های سیاسی

مشارکت نیازمند ارتباطات منصفانه در فضای عمومی است. فضای عمومی به موجب آزادی‌های سیاسی شکل می‌گیرد که بستر تحقق خواست عمومی را فراهم می‌آورند. بنابراین، دموکراسی به‌عنوان یک ارزش متعالی بدون آزادی‌های سیاسی مستقر نخواهد شد. (۳۹) آزادی‌های سیاسی، حقوقی را که برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ضروری است، تأمین می‌نماید. (۴۰) آزادی بیان، انجمن‌ها و اجتماعات، هسته مرکزی آزادی‌های سیاسی را شکل می‌دهد. این آزادی‌ها پایه حقوقی جامعه مدنی است که به شکل‌دهی اراده عمومی جمعی و همچنین فرایندهای دموکراتیک مشارکت و نمایندگی کمک می‌کند. (۴۱) رویه‌های دموکراتیک با تأکید بر آزادی‌های بنیادین، حقوق سیاسی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، مبارزه با تبعیض نژادی، جنسی و مذهبی و شناسایی و ارتقای حقوق زنان توسعه می‌یابند. (۴۲)

کمیته حقوق بشر، محدودیت‌هایی را که بر حقوق و آزادی‌های سیاسی وارد می‌شود در ذیل موضوعات مربوط به ماده ۲۵ یعنی حق مشارکت سیاسی، مورد رسیدگی قرار داده است. (۴۳) به‌علاوه در پیش‌نویس تفسیر عمومی ماده ۲۵ نیز کمیته، ضمن اشاره صریح به ارتباط نزدیک میان ماده ۱ و ماده ۲۵ میثاق، اعلام می‌دارد که محروم کردن خودسرانه شهروندان از حقوق سیاسی و فردی‌شان منجر به نقض ماده ۲۵ می‌گردد. (۴۴)

37. K. D. Asante, "Election Monitoring's Impact on the Law: Can it be Reconciled with Sovereignty and Non-intervention?", New York University, *Journal of International Law and Politics*, vol. 26, 1994, no. 2, p. 276.

۳۸. سیفی، جمال، تحولات مفهوم حاکمیت دولت‌ها در پرتو اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۴، شماره ۱۵، ص ۲۵۸.

39. J. J. Linz, "Totalitarian and Authoritarian Regimes", London: Boulder, 2000, p. 20.

40. H. Davis, "Political Freedom: Associations, Political Purposes and the Law", Continuum, 2000, p. 7.

41. M. Scheinin, "Commentary on Article 21 of the UDHR" in A. Eide (eds.), "The Universal Declaration of Human Rights: A Commentary", Oslo: Scandinavian University Press, 1992, p. 287.

۴۲. امینی، پیشین، ص ۱۲۹.

43. E.g. *Mpandanjila v. Zaire* (No. 138/1983), *Mpaka-Nsusu V. Zaire* (No. 157/1983), Reported in UN, Selected Decisions of the Human Rights Committee under the Optional Protocol (CCPR/C/OP/2) vol. 2, 1990, pp. 164 & 187.

۴۴. در چندین دادخواست علیه اروگوئه در خلال سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۷۷ میلادی، کمیته حقوق بشر، نقض حق مشارکت در امر عمومی را اعلام کرد. مسئله در تمامی این موارد، اقدامات دولتی بود که بر اساس آن، همه کاندیداهای مارکسیست احزاب و گروه‌های

ب) حق مشارکت سیاسی از طریق نظام انتخابات

حق انتخاب کردن و در عین حال حق انتخاب شدن، بدون شک مهم‌ترین حق مندرج در مفهوم مشارکت سیاسی است. این حق، به صورت ماهوی برای هر فرد، امکان مشارکت مؤثر در زمان تصمیم‌گیری‌های سیاسی را فراهم می‌کند. (۴۵)

انتخابات، عنصر ضروری حکومت مبتنی بر نمایندگی و شرط لازم^(۴۶) تحقق دموکراسی است. (۴۷) انتخابات، فرایندی منفک، مجزا و مستقل نیست بلکه عنصری از فرایند دموکراسی است که هدفش تأمین تعیین سرنوشت و ارتقای حقوق بشر است. (۴۸) انتخابات، خود به‌تنهایی موجد دموکراسی نیست بلکه تنها ابزاری در جهت تأمین

سیاسی از کلیه حقوق سیاسی به مدت ۱۵ سال محروم شده بودند. کمیته حقوق بشر، این محدودیت را در چارچوب معنای ماده ۲۵ غیرقابل توجیه قلمداد نمود.

در قضیه *بوالیا علیه زامبیا* در سال ۱۹۸۸ (*Bwalya v. Zambia*)، کمیته حقوق بشر، موضوع انطباق نظام تک‌حزبی آفریقایی با حق مشارکت در امر عمومی را بررسی کرد. هرچند که کمیته از اظهارنظر صریح در خصوص نظام تک‌حزبی امتناع نمود، محدودیت هر نوع فعالیت سیاسی خارج از تنها حزب سازمان‌یافته رسمی را، محدودیت غیرمعقول بر حق مشارکت در امر عمومی دانست.

در قضیه *ادوایوم و آل علیه توگو* در سال ۱۹۹۰ دو استاد دانشگاه در سال ۱۹۸۵ به جهت انتقاد از حکومت، بازداشت شده بودند. هرچند که اتهامات منتفی اعلام شد، این افراد سالیان مدیدی از پست‌های سابق خود محروم شدند. کمیته حقوق بشر، قضیه را این‌گونه بررسی نمود که «آزادی اطلاعات و بیان، بنیان و اساس هر جامعه آزاد و دموکراتیک است. در ماهیت چنین جوامعی است که شهروندان باید حق برخورداری از اطلاعات نسبت به احزاب دارای قدرت و جایگزین‌های احتمالی آن‌ها را داشته باشند و باید قادر باشند که آزادانه و به‌نحو عمومی بدون ترس از مداخله، مجازات و محرومیت و در چارچوب بند ۳ ماده ۱۹ میثاق، حکومت‌هایشان را ارزیابی نمایند». در قضیه *مکونگ علیه کامرون* در سال ۱۹۹۱، خواهان یک نویسنده، روزنامه‌نگار و منتقد سرسخت نظام تک‌حزبی کامرون بود و تلاش نموده بود که حزب نوینی را تأسیس نماید. او ماه‌ها در بازداشت به سر می‌برد و تحت رفتارهای غیرانسانی قرار گرفته بود. در واکنش به دولت کامرون که سعی در توجیه این بازداشت بر مبنای امنیت ملی و نظم عمومی داشت، کمیته اعلام کرد «هدف مشروع محافظت از استحکام بخشی به وحدت ملی تحت شرایط سخت سیاسی با تلاش در جهت ایجاد مانع برای افرادی که به حمایت از نظام چندحزبی و عقاید دموکراتیک و حقوق بشر می‌پردازند، حاصل نمی‌گردد».

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در قضیه *هاندی ساید علیه انگلستان* در سال ۱۹۷۶ بر اهمیت حق محفوظ در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (حق آزادی بیان) تأکید نمود و بیان داشت که «این ماده یکی از بنیادی‌ترین اصول ضروری جامعه دموکراتیک و یکی از شروط اولیه و مقدماتی برای توسعه و پیشرفت هر فرد انسانی» است. دیوان ادامه می‌دهد که «ماده ۱۰ نه تنها بر آزادی اطلاعات و عقایدی که غیرمجرمانه قلمداد می‌شوند صحنه می‌گذارد بلکه بر آن دسته از اطلاعات و عقایدی که برای دولت یا بخشی از جمعیت، آزردهنده و تکان‌دهنده می‌باشند نیز حاکم است. این موارد، خواسته یک جامعه تکثرگرا، با روحیه تحمل و مدارا و با وسعت فکری باز و بالا محسوب می‌شود». ن. ک:

M. Nowak, 2005, op. cit., pp. 451-452 & 572-573.

45. E. Defeis, "Elections- A Global Right?" pp. 321-338, *Wisconsin International Law Journal*, vol.19, 2000, p. 321.

46. *Sine qua non*

47. K. D. Asante, op. cit., p. 276.

48. M. N. Hodgson, "When to Accept, When to Abstain: A Framework for UN Election Monitoring", *International Law and Politics*, vol. 25, no. 1, 1992, p. 152.

حق مشارکت سیاسی است. (۴۹)

در کمیته حقوق بشر، تفسیر عمومی ماده ۲۵ اشاره می کند که:

«هرچند میثاق، هیچ سیستم انتخاباتی مشخصی را تحمیل نمی کند، هر سیستمی که در دولت‌های عضو به کار گرفته می شود باید منطبق با تعهدات مقرر در ماده ۲۵ باشد و باید به آزادی بیان و اراده رأی دهندگان اثر واقعی ببخشد و از آن حمایت کند. اصل یک نفر یک رأی، باید در هر نوع نظام انتخاباتی اعمال شود و رأی یک رأی دهنده باید برابر با رأی سایرین باشد. مرزبندی‌های انتخاباتی و روش اختصاص آرا نباید به گونه‌ای غیرمتعارف، حق شهروندان را بر انتخاب آزادانه نمایندگانشان محدود و محدودش نماید.» (۵۰)

حق مشارکت سیاسی، آن گونه که از رویه کمیته حقوق بشر به عنوان مرجع صلاحیت‌دار در تفسیر معاهده و گزارش‌های دولت‌ها برمی آید، امری فراتر از انتخابات قلمداد شده است. به واسطه ارتباطی که کمیته میان حق تعیین سرنوشت، مشارکت سیاسی و انتخابات، حق رأی، آزادی‌های سیاسی و منع تبعیض و برابری برقرار کرده است، معلوم می شود که ذکر انتخابات در بند «ب» ماده ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، صرفاً بیان مؤلفه‌ای از حق مشارکت سیاسی بوده است. مشارکت سیاسی نه تنها به موجب انتخابات و عمل رأی دادن به دست می آید بلکه به مدد حق انتخاب شدن، آزادی‌های سیاسی و نیز اصل برابری و منع تبعیض حاصل می شود. لذا تردیدی در این نیست که مفهوم حق مشارکت سیاسی مذکور در ماده ۲۵ میثاق، بیانی فراتر از حق رأی دارد.

۲. حمایت‌های فرامعاهداتی و ساختاری از حق دموکراسی

قواعد حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر بین‌الملل به کمک رژیم‌های حقوقی حمایت‌کننده تقویت می شود، توسعه می یابد و چنانچه با اقبال بین‌المللی مواجه شود به اجرا درمی آید. در این میان، تردیدی نیست که ساختارهای بین‌المللی حامی حقوق بشر و حقوق دموکراتیک، با نواقص عمده‌ای مواجه است. این کاستی‌ها در نگاهی جامع‌تر، برخاسته از خصلت بنیادین حقوق بین‌الملل است. با این حال، توسعه روزافزون نهادهای جامعه مدنی بین‌المللی، خواست عمومی مردمان ملل متحد را روزبه‌روز بیشتر در معرض نمایش گذارده و حقوق وابسته به آن را از جامعه دولت‌ها مطالبه می کند.

فشارهای سیاسی، تفاسیر متکامل از قواعد حقوق بشر بین‌المللی که به واسطه ارگان‌های سازمان ملل متحد

49. M. N. Hodgson, 1992, op. cit, p. 142 & 153.

50. "General Comment no. 25, Human Rights Committee", UN Doc. HRC/GC/ 25, 12 July 1996, available at: <http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/0/d0b/7f023e8d6d9898025651e004bc0eb?Opendocument>

مشروعیت انتخاباتی نظام‌های سیاسی در ماده ۳ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰، ماده ۲۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹، ماده ۱۳ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم ۱۹۸۱، منشور پاریس کنفرانس همکاری و امنیت اروپا در ۱۹۹۰، سند کپنهاگ ۱۹۹۰، اعلامیه جهانی دموکراسی تهیه شده توسط اتحادیه بین‌المجالیس در ۱۹۹۷، اعلامیه ورشو: به سوی اجتماعی از نظام‌های دموکراتیک در ۲۰۰۰ و در کار کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، مکرراً عنوان شده است. در اروپا کنفرانس همکاری و امنیت اروپا، در جلسات متعدد کپنهاگ، پاریس و مسکو، ۳۵ دولت شرکت‌کننده، شناسایی حکومت را منوط به مشروعیت حکومت مبتنی بر اراده و خواست مردم نمودند. ن.ک:

S. Wheatley, 2002, op. cit., pp. 237 & 238. Also see Kofi Darko Asante, op. cit, p. 280.

صورت می‌گیرد، رویه نهادهای شبه‌قضایی بین‌المللی و همچنین ساختارهای قضایی منطقه‌ای، همگی در خلق قواعد عرفی و استقرار و استحکام آن‌ها مؤثرند.

در این قسمت، اسناد سازمان‌های بین‌المللی که از حق بر دموکراسی حمایت می‌کنند و همچنین رویکرد نهادهای بین‌المللی از جمله کمیته حقوق بشر، شورای امنیت سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی نظارت بر انتخابات ملی، نسبت به حق دموکراسی بررسی خواهد شد.

۲-۱. حمایت از حق بر دموکراسی در چارچوب فرامعاهداتی

از سال ۱۹۹۳ و صدور اعلامیه و برنامه عمل وین^(۵۱) که به بیان ارتباط ذاتی میان دموکراسی، حقوق بشر و توسعه پرداخت، ارتقا و ترویج دموکراسی در هسته مرکزی وظایف سازمان ملل متحد قرار گرفته است. امروزه، دموکراسی در کنار حقوق بشر به‌عنوان یک ارزش جهانی پذیرفته شده است. شاهد این مطلب، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مختلفی است که درباره دموکراسی در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای صادر شده است تا جایی که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱۹۹۹/۵۷ از حق دموکراسی سخن گفته و اعلامیه هزاره نیز ضرورت‌های جدید جامعه بین‌المللی را دموکراسی، حقوق بشر و حکمرانی مطلوب، نام برده است. پطروس پطروس‌غالی دبیرکل سابق ملل متحد در کنفرانس جهانی حقوق بشر در ۱۹۹۳ بیان می‌دارد که فرایند گرایش به دموکراسی نمی‌تواند و نباید از حمایت از حقوق بشر منفک بماند. دموکراسی چارچوبی است که حقوق بشر در آن به بهترین وجه تضمین می‌شود.^(۵۲)

در دستور عمل دموکرات‌سازی که دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶ به مجمع عمومی ارائه کرد، دبیرکل با تعریف دموکراسی به نظامی از حکومت که از خلال مجموعه‌ای از نهادها و سازوکارها، آرمان قدرت سیاسی مبتنی بر اراده مردم را محقق می‌سازد، به شرح این مطلب پرداخت که چگونه دموکراسی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، حفظ عدالت و حقوق بشر و ارتقای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دخیل است.^(۵۳)

قطعنامه کمیسیون حقوق بشر با عنوان «ترویج حق دموکراسی» در سال ۱۹۹۹، از دیگر نمودهای حمایت از حق بر دموکراسی در حقوق نرم بین‌المللی است. قطعنامه با بیان ارتباط جدایی‌ناپذیر میان اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و بنیان‌های هر نظام دموکراتیک و با تأکید بر حق تعیین سرنوشت به‌عنوان فضیلتی که به‌موجب آن، مردمان، آزادانه وضع سیاسی خود را معین می‌کنند، اظهار می‌دارد که دموکراسی، تحقق حقوق بشر، و حقوق بشر، تحقق دموکراسی را میسر می‌سازد. حق برخورداری از حکومت دموکراتیک شامل آزادی بیان، فکر، وجدان و مذهب و انجمن و اجتماعات صلح‌آمیز، آزادی جستجو، دریافت و اشاعه اطلاعات و عقاید از طریق

51. "Vienna Declaration and Program of Action", GA/CONF.157/23, 12 July 1993, available at: [http://www.unhchr.ch/huridocda/huridoca.nsf/\(symbol\)/a.conf.157.23.en](http://www.unhchr.ch/huridocda/huridoca.nsf/(symbol)/a.conf.157.23.en)

۵۲. امینی، پیشین، ص ۱.

53. "United Nations Secretary General Report, Agenda for Democratization", 20 December 1996, para. 15, available at: [http://www.un.org/en/events/democracyday/pdf/An_agenda_for_democratization\[1\].pdf](http://www.un.org/en/events/democracyday/pdf/An_agenda_for_democratization[1].pdf)

رسانه‌ها، حق انتخابات آزاد و دوره‌ای و حق مشارکت سیاسی است. (۵۴)

در میان آخرین بیانیه‌هایی که به تعیین هنجارهای جامعه بین‌المللی پرداخته است، اعلامیه هزاره، آزادی را شامل حکومت مشارکتی و دموکراتیک مبتنی بر خواست و اراده مردم می‌داند. (۵۵)

دبیرکل سازمان ملل متحد در روز دریافت جایزه صلح نوبل در اول دسامبر ۲۰۰۱ نیز، ترویج دموکراسی را در زمره اولویت‌های کاری خود در قرن بیست‌ویکم قرار داد. او اظهار داشت که منشور با اشاره به «ما مردم ملل متحد»، سازمان را به تمرکز بر راه‌های ارتقای «حکومت بهتر، مشروع و دموکراتیک» که شکوفایی هر فرد و رونق هر ملت را میسر می‌سازد، فراخوانده است. (۵۶) دبیرکل ملل متحد، ارتقای دموکراسی را یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سازمان ملل در قرن بیست‌ویکم اعلام کرد و این خود نشان می‌دهد که ارزش متعالی بشریت به‌رغم پیچ‌وتاب‌های شکلی که در غالب موارد، ابزار اعمال زور بوده، راه خود را پیدا کرده است. (۵۷)

در سند جهانی نشست سران سال ۲۰۰۵ نیز بیان شده است که «دموکراسی یک ارزش جهانی و مبتنی بر اراده و خواست آزادانه مردم برای تعیین نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان و مشارکت کامل در تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی است. دموکراسی در مرکز نظام ارزش‌های هنجاری سازمان ملل قرار گرفته و فعالیت‌های سازمان در سطح عملی را پی‌ریزی می‌کند». (۵۸)

در گزارش دبیرکل ملل متحد در سال ۲۰۰۵ با عنوان «در آزادی گسترده‌تر» وی بار دیگر دموکراسی را با عنوان حق و ارزش جهانی معرفی نمود. او این امر را تصدیق کرد که اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصول ضروری دموکراسی را دربرداشته و «این حق که مردم تعیین کنند چه کسی و چگونه بر آن‌ها حکومت کند باید حق ذاتی تمام مردم و حصول جهانی آن باید مرکزی‌ترین هدف سازمانی باشد که داعیه تأمین آزادی گسترده‌تر را دارد». (۵۹)

همان‌طور که از مصادیق مذکور برمی‌آید، نهادینه کردن دموکراسی به‌عنوان هنجاری بین‌المللی در میان اسناد حقوق نرم توسعه‌یافته است. این مجموعه، هرچند شامل بیانات سیاسی یا قطعنامه‌های غیرالزام‌آور می‌شود، اسناد حقوق نرم همراه با دیگر فعالیت‌های سازمانی، دلالت بر ظهور و تبلور هنجار دموکراسی در حقوق بین‌الملل عرفی دارد.

54. "Commission on Human Rights Resolution, Promotion of the Right to Democracy", Resolution 57/1999, available at: [http://www.unhcr.ch/Huridocda/Huridoca.nsf/\(symbol\)/E.CN.4.RES.1999.57.EN?Opendocument](http://www.unhcr.ch/Huridocda/Huridoca.nsf/(symbol)/E.CN.4.RES.1999.57.EN?Opendocument)

55. J. G. Cockell, op. cit., p. 36.

56. "K. Annan Nobel Lecture", 10 December 2001, available at: http://nobelprize.org/nobel_prizes/peace/laureates/2001/anna-lecture.html

57. فلسفی، هدایت‌الله، **ملل متحد و آرمان بشریت**، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۶-۳۵، ۱۳۸۱، ص ۲۹

58. "United Nations World Summit United Nations 2005 World Summit Outcome", UN Doc. a/60/L.1, 24 October 2005, para. 135, available at: <http://www.un.org/womenwatch/ods/A-RES-60-1-E.pdf>

59. "United Nations Report of the Secretary General", "In Larger Freedom: Towards Development, Security and Human Rights for All", UN Doc. A/59, 21 March 2005, paras. 148-152, available at: http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/gaA.59.2005_En.pdf

۲-۲. حمایت از دموکراسی در چارچوب ساختارهای بین‌المللی

کمیته حقوق بشر در مقام نهادی شبه‌قضایی، رکن صلاحیت‌دار برای تفسیر ماهوی حقوق مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی است.^(۶۰) بر اساس ماده ۴۰ میثاق و پروتکل الحاقی به آن، کمیته از صلاحیت رسیدگی به شکایات دولت‌ها و همچنین شکایات فردی نسبت به نقض قواعد و مقررات مندرج در میثاق برخوردار است. کمیته حقوق بشر تا آغاز دهه ۹۰ میلادی نگرش محدودی را در خصوص اصول دموکراسی اتخاذ نموده بود. به همین خاطر، اشاره‌های مستقیم به دموکراسی در اسناد کمیته در خلال ۱۲ سال اول فعالیتش یافت نمی‌شود. اما از آغاز دهه ۹۰ میلادی، کمیته با به‌کارگیری تمامی ابزارهایی که در اختیار خود دارد از جمله تفاسیر عمومی، ملاحظات نهایی^(۶۱) و سازوکارهای گزارش‌دهی،^(۶۲) اصول مختلفی از دموکراسی را که به‌موجب آن‌ها حقوق مندرج در میثاقین تأمین می‌شود، مورد توجه قرار داده است.^(۶۳)

تفسیر عمومی ماده ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد بر این امر تأکید می‌کند که میثاق در هسته مرکزی یک حکومت دموکراتیک مبتنی بر خواست مردم و منطبق بر اصول مندرج در آن، قرار دارد. هیچ تمایزی میان شهروندان بر اساس نژاد، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، خاستگاه ملی و اجتماعی، دارایی، تولد یا هر وضع دیگر در برخورداری از حقوق مساوی مجاز نیست. آزادی بیان، انجمن‌ها و اجتماعات، شرط لازم و ضروری اعمال مؤثر حق رأی بوده و باید مورد حمایت واقع شوند.^(۶۴)

سازمان ملل به‌منظور تحکیم دموکراسی، اقدام به برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی، نهادسازی، مساعدت فنی و ایجاد صندوق دموکراسی در سال ۲۰۰۵ نموده است که دموکراسی را در قالب همکاری و نه مداخله تحکیم می‌بخشد. رفتارهای موجد هنجار بین‌المللی در سطح منطقه‌ای نیز به وضع و اجرای قواعد، محتوای ویژه می‌دهند.^(۶۵)

مناسبات و ترتیبات حقوقی منطقه‌ای، همگام با تلاش‌های بین‌المللی، به میزان وسیعی در ظهور اجماع جهانی مبنی بر حق مشارکت سیاسی هر فرد بدون تبعیض، سهیم بوده‌اند. در این میان، برخی از این ترتیبات با صراحت بیشتری نسبت به حق دموکراسی موضع‌گیری نموده‌اند. برای مثال می‌توان به نظام حقوقی حاکم بر اتحادیه اروپا و رکن قضایی ناظر بر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یعنی دیوان اروپایی حقوق بشر اشاره کرد که رویه مستحکمی را در این خصوص توسعه داده‌اند.

عضویت در اتحادیه به‌طور ضمنی به عضویت در شورای اروپا^(۶۶) و التزام به نظام سیاسی دموکراتیک و حقوق بشر پیوند خورده است. دولت‌های خواهان عضویت در اتحادیه اروپا باید کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را

60. M. Scheinin, op. cit., p. 7.

61. Concluding observations

62. Reporting mechanism

63. J. Symonides (eds.), op. cit., p. 6.

64. "Human Rights Committee, General Comment no. 25", UN Doc. HRC/GC/ 25, 12 July 1996, available at: <http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/0/d0b7f023e8d6d9898025651e004bc0eb>

65. K. D. Asante, op. cit., p. 276.

66. Council of Europe

تصویب نموده و بدین وسیله خود را مشمول نظارت میان - دولتی اروپایی و صلاحیت دیوان اروپایی حقوق بشر نمایند. (۶۷)

در مقدمات مربوط به تدوین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مناقشه بر سر مقررهای ناظر بر مشارکت سیاسی، مانع از درج آن در کنوانسیون شد؛ هرچند ماده ۳ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون در سال ۱۹۵۲ میلادی این نقیصه را رفع نمود. (۶۸)

اساسنامه شورای اروپا نیز در دیباچه خود به بیان عناصر سازنده دموکراسی می‌پردازد:

«این سند، بازتصدیق حمایت دولت‌ها از ارزش‌های اخلاقی و معنوی است که میراث مشترک مردمانشان و منبع حقیقی آزادی افراد، آزادی سیاسی و حاکمیت قانون است یعنی آن دسته از اصولی که بنیان هر دموکراسی حقیقی را تشکیل می‌دهند». (۶۹)

رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر شامل احکام بسیاری در خصوص معنا، محدودیت‌های مشروع و مقتضیات امنیتی دولت دموکراتیک است. (۷۰)

بدین ترتیب، مفهوم دموکراسی و جامعه دموکراتیک، ویژگی بنیادین نظم عمومی اروپایی قلمداد می‌شود تا آنجا که عضویت دولت‌ها در اتحادیه اروپا منوط به ارزیابی استانداردهای دموکراتیک رژیم‌های سیاسی آن‌ها می‌گردد.

منشور بوگوتا مصوب ۱۹۴۸ سند مؤسس سازمان کشورهای آمریکایی است. این منشور در دیباچه خود مقرر می‌دارد که «دموکراسی نمایندگی، شرطی ضروری برای ثبات، صلح و توسعه منطقه است» و «ارتقاء، ترویج و استحکام دموکراسی نمایندگی با رعایت اصل عدم مداخله» یکی از اهداف سازمان است. (۷۱)

اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف بشر، مصوب ۱۹۴۸ در ماده ۲۰ خود مقرر می‌دارد که «تمامی افراد، صلاحیت قانونی دارند که در حکومت سرزمین‌شان و انتخابات عمومی مشارکت کنند». (۷۲) مقررره مربوط به

67. J. G. Cockell, op. cit., p. 38.

68. "European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedom", Protocol no. 1, available at: <http://www.refworld.org/cgi-bin/texis/vtx/rwmain?docid=3ae6b38317&page=search>

69. Council of Europe, London 5.V 1949, available at: <http://conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/Html/001.htm>

۷۰. به عنوان نمونه، تصمیم دیوان در قضیه لوستیگ پریان و بکت علیه انگلستان (*Lustig-Prean and Becket v. UK*) (۱۹۹۹) جالب توجه است. در این قضیه، دیوان اعلام داشت که معیارهای یک جامعه دموکراتیک شامل تکثرگرایی، روحیه تحمل و مدارا و رهایی از تعصب است؛ جایی که مقتضیات حاکمیت اکثریت، مقید به درجه بالایی از آزادی سیاسی می‌شود. ن.ک:

B. Bowring, "Negating Pluralist Democracy: The European Court of Human Rights Forgets the Rights of the Electors", pp. 67-96, *Kurdish Human Rights Project Legal Review*, vol. 11, 2007, p. 79.

71. "International Conference of American States, Charter of the Organization of American States", 30 April 1948, available at: <http://www.oas.org/juridico/english/charter.html>

72. "International Conference of American States, Declaration on Rights and Duties of Man", April 1948, available at: [Http://www.hrcr.org/docs/OAS_declaration/oasrights4.html](http://www.hrcr.org/docs/OAS_declaration/oasrights4.html)

مشارکت در حکومت متعاقباً در ماده ۲۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر سال ۱۹۶۹ نیز ذکر شد.^(۷۳)

در دسامبر ۱۹۹۲، مجمع عمومی سازمان با اصلاح منشور بوگوتا و تصویب ماده ۹ مؤخر موافقت کرد که به موجب آن، مجمع از این صلاحیت و اقتدار برخوردار است که در صورت توافق سه چهارم اعضا، عضویت هر دولت عضوی که حکومتش رژیم دموکراتیک را سرنگون می‌کند، به حالت تعلیق در بیاورد. این پروتکل الحاقی در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ پس از امضای ۲۰ دولت به اجرا درآمد.^(۷۴)

سند مهم دیگر، منشور دموکراتیک سازمان کشورهای آمریکایی است که در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به تصویب رسید. این سند، عناصر اصلی دموکراسی را تعریف نموده و اصول راهنمایی را برای پاسخگویی مؤثر در مواقعی که دموکراسی در خطر است ارائه می‌کند. این سند راهنما، حدود و ثغوری را جهت اقدام دسته‌جمعی اعضا در مواقعی که دموکراسی با چالش‌های جدی در منطقه مواجه باشد، معین می‌کند.^(۷۵)

در حوزه قاره آفریقا، ماده ۱۳ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مصوب ۱۹۸۱ نیز اعلام می‌دارد که شهروندان، دارای حق مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق نمایندگان انتخابی هستند.^(۷۶) مجمع سران دولت‌ها در مراسم شروع به کار اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۰۲ نیز اعلامیه اصول حاکم بر انتخابات دموکراتیک در آفریقا را به تصویب رساندند. این اعلامیه از منظر نقش رو به رشد اتحادیه در خصوص نظارت بر امر انتخابات، بر نیاز به تقویت تلاش‌های سازمانی برای ارتقای فرایند دموکرات‌سازی در آفریقا تأکید می‌کند.^(۷۷)

علی‌رغم فقر، فساد، بیماری، عدم توسعه، اختلافات قبیله‌ای و بسیاری دیگر از بلاها که امروزه جوامع آفریقایی را متأثر می‌سازند، گرایش‌های امیدوارکننده‌ای به سوی دموکراسی در منطقه در جریان است که به تقویت نقش اتحادیه آفریقا کمک می‌کند.^(۷۸)

شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز طی سه دهه اخیر، روند برقراری صلح را با روند دموکراسی در

73. "Inter-American Specialized Conference on Human Rights, American Convention of Human Rights", 22 November 1969, available at: <http://www.oas.org/juridico/English/treaties/b-32.html>

74. R. A. Pastor, "Collectively Defending Democracy: The Inter-American Model", pp. 90-97, *Brown Journal of World Affairs*, vol. 11, 2004, p. 92.

75. "General Assembly of the organization of American States, Inter-American Democratic Charter", 11 September 2001, available at: http://www.oas.org/charter/docs/resolution1_en_p4.htm

76. "Organization of African Unity, African Charter on Human and People's Rights", 27 June 1981, OAU Doc. CAB/LEG/67/3 available at: <http://www1.umu.edu/humanrts/instree/z1afchar.htm>

77. "African Union, Declaration on the Principles Governing Democratic Elections in Africa", AHG/Dec1.1 (XXXVIII), 2002, available at: <http://www.pogar.org/publications/other/elections/declaration-africa-02.pdf>

78. Th. Buergenthal, "International Human Rights in a Historical Perspective", pp. 3-30 in Januz, Symonides, "Human Rights: Concepts and Standards", Hants: UNESCO, 2000, pp.19-20.

مانند قطعنامه نشست الجزیره سازمان وحدت آفریقا (سلف اتحادیه آفریقایی کنونی) در سال ۱۹۹۹ که حضور در نشست لومه ۲۰۰۰ را برای هریک از دولت‌های عضو که حکومت‌هایشان انتخابات موثقی را از سال ۱۹۹۷ به بعد برگزار نکرده‌اند ممنوع می‌کرد. ن.ک:

J. G. Cockell, op. cit., p. 39

کشورهایی همچون السالوادور، آنگولا، کامبوج، موزامبیک و هائیتی^(۷۹) پیوند زده و خود را به‌نحوی در برگزاری انتخابات داخلی، نظارت بر انتخابات، تأیید نتایج و حمایت از آن درگیر نموده است.^(۸۰) درحالی‌که تا دهه ۱۹۹۰ میلادی، نهاد فعال در زمینه اعمال اصل تعیین سرنوشت، مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود، اما پیرنگ‌شدن نقش شورای امنیت به‌ویژه پس از ۱۹۹۰ حکایت از اهمیت روزافزون این حق و تأمین آن در عرصه بین‌المللی دارد.^(۸۱)

البته عملکرد شورای امنیت به منشأ بی‌ثباتی‌های داخلی از طریق نظارت بر روند انتخابات با توافق کشورهای ذی‌ربط صورت‌گرفته است.^(۸۲) در این مرحله از توسعه حقوق بین‌الملل، وجود حکومت‌هایی که موجودیت آن‌ها مطابق با قانون اساسی، و ترتیبات کسب قدرت، طبق حقوق داخلی نیست، هیچ‌گاه به‌عنوان امری که مشروعیت دولت‌ها را از دید حقوق بین‌الملل مخدوش سازد، مطرح نبود. نمونه بارز این وضعیت، وجود حکومت‌های کودتایی است که در گوشه‌وکنار دنیا بر سر کار آمده‌اند و از سوی دیگر کشورها شناسایی شده‌اند و شورای امنیت متعرض آن‌ها نشده است.^(۸۳) این امر بیانگر عدم وجود انسجام در برخورد شورا نسبت به وضعیت‌های مشابه است. اما علی‌رغم این واقعیت که شورا در واکنش به مسائل بین‌المللی و تصمیم‌گیری‌های خود ملتزم به رویه خود

۷۹. موضوع هائیتی معطوف به اقدام نظامیان این کشور در به‌دست‌گرفتن قدرت و ممانعت از اعمال قدرت رئیس‌جمهور منتخب این کشور *ژان برتراند آریستید* است. با توجه به کودتاهای متعدد در هائیتی در گذشته سوابقی از جنگ قدرت در این کشور وجود داشت که منجر به انجام انتخاباتی تحت نظارت بین‌المللی شده بود که طی آن *ژان برتراند آریستید* به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. لیکن مقامات نظامی در عمل مانع فعالیت و ادامه کار او شدند و اداره امور را در اختیار گرفتند. شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ طی قطعنامه شماره ۸۴۱ اقداماتی را به‌منظور اعاده حکومت قانونی این کشور مقرر داشت. این قطعنامه تحت فصل هفتم منشور ملل متحد اتخاذ شده بود و مشروعیت اقدام شورا و وضع تحریم اقتصادی در آن با صلح و امنیت بین‌الملل مرتبط بود، اما منظور اصلی از اتخاذ قطعنامه، اعاده حکومت قانونی هائیتی عنوان شد. مجمع عمومی سازمان به‌موجب قطعنامه ۴۶/۷ کودتای نظامی را شدیداً محکوم و خواستار بازگرداندن حکومت مشروع رئیس‌جمهور *آریستید* و به این منظور، خواستار اجرای تحریم‌ها از سوی دولت‌های عضو سازمان کشورهای آمریکایی شد. مورد هائیتی بیانگر این امر است که سازمان، متعهد به مشروعیت دموکراتیک و نه صرفاً متعهد به برگزاری شکلی انتخابات است. ن.ک:

M. N. Hodgson, op. cit., p. 150.

۸۰. سیفی، پیشین، ص ۲۴۰.

۸۱. تاتلی، پیشین، ص ۵۲.

قطعنامه ۱۴۸۳ سال ۲۰۰۳، حق مردم عراق را بر تعیین سرنوشت سیاسی اعلام می‌دارد و به نیاز به تأسیس حکومت مبتنی بر نمایندگی که برای تمام شهروندان، حقوق برابر مشارکتی در نظر بگیرد، تصریح می‌کند؛ هرچند اشاره‌ای به حکومت دموکراتیک نمی‌کند. در قطعنامه ۱۵۴۶ سال ۲۰۰۴ که به‌اتفاق آرا و طبق فصل هفتم منشور اتخاذ شد، شورای امنیت، ترتیبات انتقالی موقت را که در قانون اجرایی انتقالی آمده بود، تأیید نمود. قطعنامه و مذاکراتی که منجر به صدور آن شد، از تلاش و تأکید شورای امنیت بر اثربخشی حقوقی به تغییر دموکراتیک رژیم سیاسی در عراق، حکایت داشت. شورای امنیت همچنین تعهد شورای انتقالی را به انجام اقدامات در راستای ایجاد عراقی فدرال، دموکراتیک، تکرگرا و متحد، نشانی مثبت ارزیابی می‌کند. در مذاکرات مقدماتی تدوین این قطعنامه حتی دولت‌هایی که خود دموکراتیک نیستند از تأسیس دموکراسی در عراق حمایت نمودند. ن.ک:

S. Wheatley, "The Security Council, Democratic Legitimacy and Regime Change in Iraq", pp.531-551, *E.J.I.L.*, vol. 17, No. 3, 2006, p. 532.

۸۲. سیفی، پیشین، ص ۲۴۱ - ۲۴۲.

۸۳. همان، ص ۲۴۴.

نمی‌باشد و در صورت فقدان اراده سیاسی دولت‌های عضو، برخوردهای بین‌المللی نسبت به موضوعات مشابه می‌تواند مختلف باشد، آنچه از نظام حقوق بین‌الملل برمی‌آید، مبین تقید شورا به مجموعه قواعدی بین‌المللی است. طبق دکترین حاکمیت قانون،^(۸۴) اعمال اقتدار سیاسی در هر سیستم حقوقی باید همراه با توجیحات مناسب باشد تا از سوءاستفاده خودسرانه از قدرت جلوگیری به عمل آید. اینکه شورا رکن تصمیم‌گیر بوده و دولت‌ها بر اساس اصل ۱۰۳ منشور، مکلف به گردن‌نهادن به تصمیمات آن هستند، شورا را از ارائه توجیه مناسب برای اعمال اقتدارش در یک مورد خاص منع نمی‌کند. برای اثبات این مدعا، می‌توان به رویه دیوان بین‌المللی دادگستری اشاره کرد. دیوان، در جایی که حل اختلاف طرفین یک دعوی بین‌المللی منوط به تعیین جایگاه حقوقی قطعنامه شورا بوده یا نقش الزام‌آور بودن یک قطعنامه به جهت مغایرت با قواعد آمره لازم‌الاجرا مورد سؤال است و نتیجه بررسی می‌تواند بر اجرای آن قطعنامه اثر داشته باشد، بررسی قطعنامه شورا را ممکن دانسته است.^(۸۵)

گرایش افراطی به سمت دموکراسی به‌طور مشخص با وجود آمدن نظارت بین‌المللی بر انتخابات در آغاز دهه ۹۰ میلادی رخ داد.^(۸۶) تجارب ناگوار در آنگولا، هائیتی یا لیبریا ثابت کرد که احترام به نتایج انتخاباتی مستلزم وجود فرهنگ قوی دموکراسی و به‌طور هم‌زمان، تقویت نهادهای دموکراتیک است.^(۸۷)

انتخابات نیکاراگوئه در ۱۹۹۰ اولین انتخابات تحت نظارت بین‌المللی خارج از چارچوب استعمارزدایی محسوب می‌شود. برخلاف وضعیت موجود در نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶، سازمان ملل با ایجاد فضایی آرام و باثبات، نقش بسزایی در طول انتخابات ۱۹۹۰ ایفا نمود که نتیجه‌ای صلح‌آمیز داشت.^(۸۸) روند درخواست نظارت و همیاری بر انتخابات توسط سازمان، سیری صعودی داشت بدان‌گونه که این تقاضا به ۶۰ کشور در سال ۱۹۹۵، یعنی قریب به یک سوم اعضای سازمان رسید.^(۸۹)

هم‌زمان با پایان جنگ سرد، مجمع عمومی سازمان ملل، قطعنامه شماره ۱۵۰ دسامبر ۱۹۹۰/۱۸ را تصویب و منتشر کرد که در آن مقرر شده بود: «انتخابات دوره‌ای و واقعی، عنصر ضروری و انفکاک‌ناپذیر از تلاش‌های پایدار برای حمایت از حقوق و منافع فرمانبرداران نظام‌های ملی است و با عنایت به تجربه عملی، مشارکت در حکومت، عاملی حیاتی در بهره‌مندی هر فرد انسانی از دامنه وسیعی از سایر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است.»^(۹۰)

84. Rule of Law Doctrine

85. S. Wheatley, 2006, op. cit., p. 544.

86. J. A. Glidden, "Election Monitoring, Technology and the Promotion of Democracy: A Case for International Standards", pp. 353-367, *Wisconsin International Law Journal*, vol.19, 2000, p. 355.

87. پطروس‌غالی، پطروس، **حقوق بین‌الملل در تکاپوی ارزش‌های خود: صلح، توسعه، دموکراسی**، ترجمه ابراهیم بیگزاده، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۶-۳۵، ۱۳۸۱، ص ۲۵۹.

88. J. A. Glidden, op. cit., p. 357.

89. "United Nations Secretary General Report, Agenda for Democratization", 20 December 1996, para. 5, available at: http://www.adh-geneva.ch/events/pdf/special_events/An_agenda_for_democratization.pdf

90. E. Defeis, op. cit., p. 326.

قطعنامه در ادامه اعلام می‌داشت: «تعیین اراده و خواست مردم، نیازمند فرایند انتخاباتی است که به تمامی شهروندان، فرصت برابر برای کاندیداشدن و اعلام نقطه‌نظرات سیاسی‌شان را چه به‌صورت منفرد و چه در اجتماع با سایرین بر اساس قانون اساسی و عادی ملی می‌دهد».^(۹۱)

به دنبال این قطعنامه، در ۱۹۹۱ دبیرکل، واحد امور سیاسی را تحت نظارت دبیرخانه به‌عنوان کانون فعالیت‌های ناظر بر معاضدت‌های انتخاباتی^(۹۲) معین نمود. نظارت بر انتخابات به‌سرعت به رویه بین‌المللی تبدیل شد. واحد معاضدت‌های انتخاباتی، مسئول هماهنگی فعالیت‌های سازمان ملل در این زمینه شد. از آن زمان بدین‌سو، این واحد، فعالانه در کمک‌رسانی به بیش از ۱۴۰ کشور عضو دخیل بوده است. نظارت جامع بر انتخابات سال ۲۰۰۰ پرو نشانگر این حقیقت است که در پایان قرن بیستم میلادی تا چه میزان انتخابات به امری بین‌المللی تبدیل شده است.^(۹۳)

نتیجه

بازیگران صحنه بین‌المللی با قواعد و هنجارها برنامه‌ریزی نشده‌اند بلکه آن‌ها را بازتولید کرده و تغییر می‌دهند تا بتوانند بر مبنای آن قواعد و هنجارهای تغییر یافته، معانی مشترکی بیافرینند؛ در صحنه بین‌المللی کنش نمایند؛ مقاصد و نیت خود را به دیگران انتقال دهند؛ پاسخگوی ادعاهای مختلف باشند و انتخاب‌های خود را توجیه کنند. در اثر دو قرن سلطه دکتربین اثبات‌گرای حقوقی، حقوق بین‌الملل به‌طور مداوم به تفوق اصل حاکمیت دولت‌ها و نتیجه تبعی آن یعنی اصل عدم مداخله پایبند بوده است. ممنوعیت مداخله سازمان ملل در «اموری که منحصراً در صلاحیت داخلی دولت‌ها» است، پیوستگی گسست‌ناپذیری با مفهوم حاکمیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل معاصر دارد. با وجود این، حقوق بشر توسعه یافته پس از جنگ جهانی دوم، حوزه مفهومی آنچه را در حقوق بین‌الملل کلاسیک در صلاحیت داخلی دولت‌ها قرار می‌گرفت محدود نموده است.

از سوی دیگر، مفهوم امور داخل در صلاحیت داخلی، مفهومی ایستا نیست و تابع تغییر و تحول است. چنانچه بعضی از اموری که در گذشته داخل در صلاحیت انحصاری کشورها تلقی می‌شد، امروزه با گسترش همبستگی بین‌المللی و شکل‌گیری ارزش‌های مشترک بشری در اذهان جامعه بین‌المللی، خارج از صلاحیت انحصاری کشورها تلقی می‌شود.

قواعد نوین حقوق بین‌الملل که با توجه به ارزش‌های مرتبط با همبستگی و عدالت اجتماعی تدوین یافته است، به قلمرویی پا نهاده که پیش از آن در انحصار مطلق دولت‌ها قرار داشت. به‌رغم آنکه مشترکات جامعه بشری در سیستم سازمان‌یافته‌ای استقرار نیافته و وضع آیین‌های شکلی حقوق بین‌الملل هنوز با دولت‌هاست، مفهوم بشریت، محدوده‌های زمانی و مکانی روابط بین‌الملل را درهم شکسته و آن را به‌صورتی دیگر در آورده است؛ چندان که نه‌تنها بر سرنوشت دولت‌ها که بر سرنوشت تابعان آن‌ها نیز سایه افکنده است نه بدان جهت که

91. Ibid.

92. Division for Electoral Assistance

93. "Statement on Peru Elections by the Carter Center", 24 March 2000, available at: <http://www.cartercenter.org/news/documents/doc261.html>

اینان تابعان داخلی آن نظام‌ها به‌شمار می‌آیند بلکه بدان علت که این تابعان مؤلفه‌های اصلی بشریت هستند. (۹۴)

منابع بین‌المللی که عرفی بودن حق دموکراسی از آن‌ها استخراج می‌شود، فراوان و پراهمیت‌اند: معاهدات منطقه‌ای، بیش از ۴۰ سال سابقه نظارت بر انتخابات داخلی از سوی سازمان ملل، نظرات کمیته حقوق بشر به‌عنوان مرجع صالح بر تفسیر میثاق حقوق مدنی و سیاسی، فعالیت سه دیوان منطقه‌ای و بالاخره اسناد سازمان همکاری و امنیت اروپا که در میان امضاکنندگان آن‌ها، اقمار اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز دیده می‌شوند.

برای اثبات وجود حقی عرفی بر دموکراسی در حقوق بین‌الملل می‌توان به موارد زیر استناد کرد:

۱. پذیرش و تصویب اسناد جهانی حامی حقوق مشارکتی

۲. موجودیت و اشتغال به کار هیئت‌های منطقه‌ای در اروپا، آمریکای لاتین و آفریقا با دستورهای مکرر و

یکسان در خصوص تحکیم دموکراسی انتخابی

۳. قضاوت و ارزیابی دائم کنشگران بین‌المللی در خصوص اعتبار دموکراتیک دولت‌ها و رهبران آن‌ها

۴. رأی تمامی دولت‌های عضو در معاهدات اصلی حقوق بشری به تأسیس نهاد ناظر و همچنین بررسی

گزارش‌های آن‌ها در خصوص نحوه اعمال حقوق مشارکتی مندرج در این اسناد

با عنایت به جایگاه ویژه‌ای که رکن روانی و معنوی عرف در ظهور جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک نهاد حقوقی دارد و با توجه به اینکه حداقل حاصل از بیانیه‌های دیپلماتیک، اسناد حاوی خط مشی سیاسی، نظامنامه‌ها و بیانیه‌های رسمی در سازمان‌های بین‌المللی، اگر استنتاج رویه نباشد، بیان عقیده و باور دولت‌هاست، حمایت وسیع از دموکراسی و ارزش هنجاری آن، واقعیتی نیست که بتوان از آن چشم پوشید. به نظر می‌رسد دموکراتیک‌بودن حکومت در پرتو حمایت بین‌المللی از حقوق بشر به تدریج وجهه صرفاً اخلاقی خود را درنور دیده و می‌رود تا به یک تعهد حقوقی بین‌المللی مبدل شود؛ تعهدی که علاوه بر دولت‌ها از سوی جامعه بین‌المللی نیز مورد حمایت است.

(۱) فارسی

- سیفی، سیدجمال، تحولات مفهوم حاکمیت دولت‌ها در پرتوی اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۴، شماره ۱۵.
- پطروس‌غالی، پطروس، حقوق بین‌الملل در تکاپوی ارزش‌های خود: صلح، توسعه، دموکراسی، ترجمه ابراهیم بیگزاده، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۶-۳۵، سال ۱۳۸۱.
- فلسفی، هدایت‌الله، ملل متحد و آرمان بشریت، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۶-۳۵، سال ۱۳۸۱.
- امینی، اعظم، جایگاه دموکراسی در حقوق بین‌الملل معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، بهمن ۱۳۸۴.
- تاتلی، واحد، حق تعیین سرنوشت ملل از منظر حقوق بشر بین‌المللی پس از ۱۹۹۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۸۶.

(۲) لاتین

A) Books

- Beetham, D., "Democracy and Human Rights: Civil, Political, Economic, Social and Cultural", pp. 71-97 in Jansuz, Symonides (Ed.), "Human Rights New Dimensions and Challenges: Manual on Human Rights", Hants: Ashgate, 1998.
- Buergenthal, T., "International Human Rights in a Historical Perspective", pp. 3-30 in Januz, Symonides, "Human Rights: Concepts and Standards", Hants: UNESCO, 2000.
- Campbell, P. J. & Moheney-Norris, L., "Democratization and the Protection of Human Rights: Challenges and Contradictions", Westport: Praeger, 1998.
- Cassese, A., "Self-Determination of Peoples: A Legal Reappraisal", Cambridge: The Cambridge University Press, 1995.
- Crawford, J., "Democracy in International Law", Cambridge: Cambridge University Press, 1993.
- Chadwick, E., "Self-determination, Terrorism and the International Humanitarian Law of Armed Conflict", Martinus Nijhoff publisher, 1996.
- Davis, H., "Political Freedom: Associations, Political Purposes and the Law", Continuum, 2000.

- Eide, A. (eds.), *“The Universal Declaration of Human Rights: a Commentary”*. Oslo: Scandinavian University Press, 1992.
- Falk, R. A., *“Human Rights Horizons: The Pursuit of Justice in a Globalizing World”*, Routledge, New York, 2000.
- Franck, T. M., “Democracy as a Human Right”, pp. 73-95 in L. Heinken & J. Lawrence Hargrove, “Human Rights an Agenda for the Next Century”, *American Society of International Law*: no. 26, 1994.
- Fox, G. H. & Roth, B. R. (eds.), “Introduction: The Spread of Liberal Democracy and Its Implications for International Law”, pp. 1-22 in *“Democratic Governance and International Law”*, Cambridge: Cambridge University Press, 2000.
- Fox, G., H., “The Right to Political Participation in International Law” in *Democratic Governance and International Law*, Fox, G. H. & Roth, B. R. (eds.), Cambridge: Cambridge University Press, 2000.
- Higgins, R., *“Problems and Process: International Law and How We Use It”*, Oxford: Clarendon Press, 1994.
- Huntington, S. P., *“The Third Wave: Democratization in the Late Twentieth Century”*, Norman, Oklahoma: University of Oklahoma Press, 1991.
- Linz, J. J., *“Totalitarian and Authoritarian Regimes”*, London: Boulder, 2000.
- Nowak, M., *“United Nations Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary”*, Kehl: N.P. Engel, 2005.
- Okafor, O. C., *“Redefining Legitimate Statehood”*, The Hague: Martinus Nijhoff, 2000.
- Radan, P., *“The Break-up of Yugoslavia and International Law”*, New York: Routledge, 2002.
- Roth, B. R., (a), *“Governmental Illegitimacy in International Law”*, Oxford: Oxford University Press, 2000.
- Roth, B. R., (b), “Evaluating Democratic Progress”, pp. 493-516 in Fox, Gregory H. & Roth, B. R. (eds.), *“Democratic Governance and International Law”*, Cambridge: Cambridge University Press, 2000.
- Scheinin, M., “Commentary on Article 21 of the UDHR”, in Eide, A. (eds.), *“The Universal Declaration of Human Rights: A Commentary”*, Oslo: Scandinavian University Press, 1992.

- Symonides, J. (Ed.), “*Human rights New Dimensions and Challenges: Manual on Human Rights*”, Hants: Ashgate, 1998.

B) Articles

- Asante, K. D., “Election Monitoring’s Impact on the Law: Can it be Reconciled with Sovereignty and Non-intervention?”, New York University, *Journal of International Law and Politics*, vol. 26, 1994, no. 2.
- Bowring, B., “Negating Pluralist Democracy: The European Court of Human Rights Forgets the Rights of the Electors”, pp. 67-96, *Kurdish Human Rights Project Legal Review*, vol. 11, 2007.
- Cerna, C., “Universal Democracy: “An International Legal Right to Democracy or a Pipe Dream of the West?””, *N.Y.U. J. Int’l L.* 27 (1995).
- Cockell, J.G., “Self-determination and Sovereign Legitimacy in International Society”, 2004. Available at: http://www.allacademic.com//meta/p_mla_apa_research_citation/0/7/2/3/8/pages72384/p72384-1.php
- Cop, B. & Eymirlioglu, D., “The Right to Self-determination in International Law: Towards the 40th Anniversary of the Adoption of ICCPR and ICESCR”, pp. 115-146, *Perceptions*, Winter 2005.
- Defeis, E., “Elections-A Global Right?”, pp. 321-338, *Wisconsin International Law Journal*, vol. 19, 2000.
- Fox, G. H., “The Right to Political Participation in International Law”, *Yale Int’l L.J.* 17 (1992).
- Franck, T. M., “The Emerging Right to Democratic Governance”, *American Journal of International Law*, vol. 86, 1992.
- Glidden, J. A., “Election Monitoring, Technology and the Promotion of Democracy: A Case for International Standards”, pp. 353-367, *Wisconsin International Law Journal*, vol. 19, 2000.
- Hodgson, M., N., “When to Accept, When to Abstain: A Framework for UN Election Monitoring”, *International Law and Politics*, vol. 25, no. 1, 1992.
- Klabbers, J., “The Right to be Taken Seriously: Self-determination in International Law”, pp. 186-206, *Human Rights Quarterly*, vol. 28, 2006.

- Pastor, R. A., “Collectively Defending Democracy: The Inter-american Model”, pp. 90-97, *Brown Journal of World Affairs*, vol. 11, 2004.
- Scheinin, M., “Human Rights Treaties and the Vienna Convention on the Law of Treaties: Conflict or Harmony”. Available at: http://web.abo.fi/institut/imr/research/martin_Scheinin_recent.htm
- Steiner, H., “Political Participation as a Human Rights”, *Harvard Human Rights Y. B. I* 77 (1988).
- Wheatley, S., “Democracy in International Law: A European Perspective”, pp. 225-248, *International and Comparative Law Quarterly*, vol. 51, 2002.
- Wheatley, S., “The Security Council, Democratic Legitimacy and Regime Change in Iraq”, pp.531-551, *European Journal of International Law*, vol. 17, no. 3, 2006.

C) Documents

- African Charter on Human and People's Rights, Organization of African Unity, 27 June 1981, OAU Doc. CAB/LEG/67/3. Available at: <http://www1.umu.edu/humanrts/instreet/z1afchar.htm>
- African Union Resolution on Zimbabwe, 1 July 2008, available at: <http://www.africa-union.org/root/AU/Conferences/2008/june/summit/dec/Assembly%20Dec%20193-207%20XI%20FR.pdf>
- Agenda for Democratization, United Nations Report of the Secretary General, New York: United Nations, 1996. Available at: [http://www.un.org/en/events/democracyday/pdf/An_agenda_for_democratization\[1\].pdf](http://www.un.org/en/events/democracyday/pdf/An_agenda_for_democratization[1].pdf)
- American Convention of Human Rights, Inter-American Specialized Conference on Human Rights, 22 November 1969. Available at: <http://www.oas.org/juridico/English/reaties/b-32.html>
- Charter of the Organization of American States, International Conference of American States, 30 April 1948. Available at: <http://www.oas.org/juridico/english/charter.html>
- Declaration on Principles of International Law and Friendly Relations and Cooperation Among States in Accordance with the Charter of the UN, United Nations General Assembly, UN Doc. Resolution no. 2625, 24 October 1970. Available at: <http://www.daccessdds.un.org/doc/RESOLUTION/GEN/NR0/348/90/IMG/NR034890.pdf?OpenElement>

- Declaration on Promotion of Representative Democracy, Organization of American States AG/RES.140 1 June 1996. Available at: <http://www.oas.org/juridico/english/gares96/res-1401.htm>
- Declaration on Rights and Duties of Man, International Conference of American States, April 1948. Available at: Http://www.hrcr.org/docs/OAS_declaration/oasrights4.html
- Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples, United Nations General Assembly Resolution no. 1514, 14 December 1960. Available at: <http://daccessdds.un.org/doc/RESOLUTION/GEN/NR0/152/88/IMG/NR015288.pdf?OpenElement>
- Declaration on the Principles Governing Democratic Elections in Africa, African Union, AHG/Dec1.1 (XXXVIII), 2002. Available at: <http://www.pogar.org/publications/lections/declaration-africa-02.pdf>
- Enhancing the Effectiveness of the Principles of Periodic and Genuine Elections, G.A Res. 150, U.N. GAOR, 45th Sess., Supp. no. 49, at 254-55, U.N. Doc. A/Res/45/150 (1990). Available at: <http://www.un.org/documents/ga/res/45/a45r150.htm>
- European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedom, Protocol no. 1, available at: <http://www.refworld.org/cgi-bin/tehis/vtx/rwmain?ocid=3ae6b38317&page=search>
- Human Rights Committee General Comment no. 25, UN Doc. HRC/GC/ 25, CCPR/C/21/Rev.1/Add.7, 12 July 1996. Available at: <http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/0/0b7f023e8d6d9898025651e004bc0eb>
- In Larger Freedom: Towards Development, Security and Human Rights for All, United Nations Report of the Secretary General, paras. 148-152, A/59, 21 March 2005. Available at: http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/gaA.59.2005_En.pdf
- Inter-American Democratic Charter, General Assembly of the Organization of American States, 11 September 2001. Available at: http://www.oas.org/charter/docs/esolution1_en_p4.htm
- International Conference of American States, Declaration on Rights and Duties of Man, April 1948, available at: http://www.hrcr.org/docs/OAS_declaration/oasrights4.html
- International Covenant on Civil and Political Rights, 16 December 1996, Article 1. Available at: <http://www2.ohchr.org/english/law/ccpr.htm>

- Kofi Annan Nobel Lecture, December 10 2001. Available at: http://nobelprize.org/nobel_prizes/peace/laureates/2001/anna-lecture.html
- Mexican Election Decisions, Cases 9768, 9780, 9828, Inter-Am.C.H.R. 98, OEA/ser.l/V/II.77, doc. 7, rev.1 (1989-1990). Available at: <http://www.ipu.org/PDF/publications/Free&Fair06-e.pdf>
- On EU Election Assistance and Observation, COM (2000)191 final, Commission of the European communities, 11 April 2000. Available at: http://www.eueom-bhutan.org/English/PDF/Communication_from_the_Commission_on_EU_Election_Assistance_and_Observation.pdf
- Promotion of the Right to Democracy, United Nations Commission on Human Rights, 57th Meeting, 27 April 1999. Available at: [http://www.unhchr.ch/Huridocda/Huridoca.nsf/\(symbol\)/E.CN.4.RES.1999.57.EN?Opendocument](http://www.unhchr.ch/Huridocda/Huridoca.nsf/(symbol)/E.CN.4.RES.1999.57.EN?Opendocument)
- Report on the Second Expert Seminar of Democracy and the Rule of Law, United Nations Economic and Social Council, UN Doc. E/CN.4/2005/58, Geneva 28 February-2 March 2005. Available at: <http://daccessdds.un.org/doc/UNDOC/GEN/G05/130/01/PDF/G0513001.pdf?OpenElement>
- Resolution on Strengthening the Role of UN in Enhancing the Effectiveness of the Principle of Periodic and Genuine Elections and Promotion of Democratization, United Nations General Assembly, A/Res/60/164, 2 March 2006. Available at: http://www.un.org/depts/dpa/ead/ga_resolutions.html
- Statement on Peru Elections by the Carter Center, 24 March 2000. Available at: <http://www.cartercenter.org/news/documents/doc261.html>
- Statute of the Council of Europe, London 5.V 1949. Available at: <http://conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/Html/001.htm>
- Support by the UN System of the Efforts of Governments to Promote and Consolidate New or Restored Democracies, United Nations General Assembly, GA/Res/56/1996. Available at: http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/56/96&Lang=E
- The Right to Self Determination of Peoples, Human Rights Committee General Comment no. 12, 1984. Available at: <http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrc/comments.htm>
- United Nations Charter. Available at: <http://www.un.org/en/documents/charter/>

- United Nations Millennium Declaration, A/55/L.2, 2000. Available at: <http://www.un.org/millennium/declaration/ares552e.htm>
- United Nations 2005 World Summit Outcome, UN Doc. a/60/L.1, 24 October 2005, para. 135. Available at: <http://www.un.org/womenwatch/ods/A-RES-60-1-E.pdf>
- World Conference on Human Rights, Vienna Declaration and Program of Action, General Assembly, A/CONF.157/23, 12 July 1993. Available at: [http://www.unhchr.ch/huridocda/huridoca.nsf/\(symbol\)/a.conf.157.23.en](http://www.unhchr.ch/huridocda/huridoca.nsf/(symbol)/a.conf.157.23.en)